جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۳۴۹ | شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ | ۱۶ محرم ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۰ |
غروب آفتاب: ۱۹:۲۲ | اذان مغرب: ۱۹:۴۲ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۹ | اذان صبح فردا: ۰۳:۱۵ | طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۹ |

دیدگاه | جواد امینی‌منش*

دیاسپورای ایرانی، گنجینه‌ای جهانی برای بازسازی ویژند ملی

دیاسپورای ایرانی، گنجینه‌ای زنده در فراتر از مرزهاست؛ سرمایه‌ای که نه‌تنها حامل فرهنگ و هویت کهن ماست، بلکه می‌تواند با روایت درست داشته‌های ایران، نقشی مهم در بازآفرینی برند ملی کشور ایفا کند.

دوران زمامداری شاه عباس اول در عصر صفویه، یکی از نقاط برجسته تاریخ کشورمان است. آن برهه، مجموعه‌ای از سر بر آوردن شکوفایی‌ها از دل بحران‌ها است. میدان شکوهمند و یگانه «نقش جهان» درست در زمان‌هایی که ایران در جبهه‌های مختلف درگیر جنگ و صلح با همسایگان بود، سربرآورد و مایه فخر ایران و جهان شد. شاه عباس، در میانه دعواهایی که با عثمانی و ازبک و پرتغال داشت، به شعر و معماری و موسیقی و نقاشی و همه فعالیت‌های هنری، اقبال نشان می‌داد و علاوه بر اینکه از این طریق، به حفظ روحیه و شادابی حکومت و جامعه‌اش، کمک می‌کرد، جلوه‌ای از شکوه و جلال فرهنگ ایرانی را به رخ دیگران می‌کشید و همین عامل قدرت نرم، سبب بروز خلاقیت‌ها و گشادگی ذهنی و عملی در میدان عمل و به افزایش میزان قدرت نظامی منتهی می‌شد.

در واقع، در هر دوره‌ای که حاکمیت قدرتمند بر مسند نشسته است، فرهنگ و هنر نیز بروز و ظهور چشمگیری داشته است. طرفه آنکه فرهنگ و سیاست به موازات هم به جلو حرکت کرده‌اند و پیروز شده‌اند یا شکست خورده‌اند، یعنی نمی‌توان انتظار داشت که ابتدا سیاست و اقتصاد و نظامی‌گری در جامعه‌ای قدرت بگیرد و آنگاه فرهنگ، شروع به خودنمایی کند. این دو حیطه، می‌باید که در کنار هم پر بگیرند و جامعه را بالا بکشند.

یکی از نمودهای فرهنگی در مواقع حساس، فعالیت‌های رسانه‌ای است و ما دائماً در طول تاریخ شاهد بوده‌ایم که عرصه تبیین و تبلیغ خط مقدم همه جبهه‌ها به شمار می‌آید. تولید و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فرهنگی هم، بی‌هیچ تردیدی، لازمه قدرت‌سازی و حکمرانی است. از این رو، صنایع خلاق و فرهنگی کم هزینه‌ترین، مطمئن‌ترین و نافذترین راه توسعه و هموارکننده مسیر آن است. از آن سو هم، نمی‌توان جامعه‌ای عاری از هنر و فرهنگ غنی یافت که صاحب قدرت است و مردم موفقی دارد. زیرا که فرهنگ مکمل و کمال بخش سایر ارکان یک جامعه است.

یکی دیگر از نشانه‌های قدرت فرهنگی، در حوزه دیاسپورا به خوبی قابل لمس است. شهروندانی که خارج از کشور زندگی می‌کنند، حامل و نگاهبان فرهنگ جامعه در خارج از مرزها هستند و ما هر قدر که دارای غنای فرهنگی باشیم، جامعه خارج نشین‌مان نیز صاحب جایگاهی درخور و قابل اتکا در کشور میزبان خواهند بود. خوشبختانه ما شاهد هستیم که ایرانیان خارج از کشور، به طور اعم، از موفق‌ترین‌ها و قابل احترام‌ترین مهاجران در کشورهای مختلف هستند و هر آنکه با این عزیزان آشنایی می‌یابد، به سرعت جذب عظمت و جذابیت فرهنگ ایرانی قرار می‌گیرد و شیفته آن می‌شود. بنابراین برای بازیابی مجدد ویژند(برند) و نشان ایرانی در جهان، می‌توان بر حضور هموطنان عزیز خارج از کشور، حساب ویژه‌ای باز کرد و از این سرمایه عظیم، بهره‌های بسیاری در توسعه و پیشرفت کشور گرفت. از آنجا که لازم است ما به روایت درستی از داشته‌های ایران اسلامی و ارائه آن به دنیا داشته باشیم، دیاسپورای ایرانی، امکانات لازم را در اختیار ما قرار می‌دهد و ما را به سرعت، به سرمنزل مقصود می‌رساند.

در کنار این‌ها، ارتقای برند ایران، که به قدرت نرم منجر خواهد شد، یک کار عملا فرهنگی به شمار می‌آید. قدرت نرم نیز، کامل کننده قدرت سخت و نظامی است. پیش برنده برنامه‌های تجاری و توسعه‌ای هم هست. یکی از کارهایی که رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمایندگان فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی و بازیگران اصلی در عرصه دیپلماسی فرهنگی برعهده دارند، همین موضوع ارتقای برند ملی است. دیپلماسی فرهنگی در این موقع، می‌تواند نقش تعیین کننده در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و حتی نظامی ایفا کند. بنابراین با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران وارد مرحله جدیدی از حکمرانی شده و توانسته است که قدرت‌های پوشالی منطقه را سر جای خود بنشاند، لازم است که بر دیپلماسی فرهنگی به عنوان قرارگاه اصلی قدرت نرم در کشور، حساب تازه‌ای باز کند و کارها را از این منظر پیش ببرد تا ان شاءالله به زودی شاهد برآمدن تمدنی نو و ماندگار در عرصه جهانی شود.

***کارشناس ارشد فرهنگی**

خبر

مهلت ارسال آثار به جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران تمدید شد

با اعلام دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، مهلت ارسال آثار به چهل‌ودومین دوره این جشنواره، تمدید شد.

به گزارش جوان از روابط عمومی انجمن سینمای جوانان ایران، مهلت ارسال آثار به چهل‌ودومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران تا ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ تمدید شد. پیشتر مهلت ارسال آثار به این دوره از جشنواره تا یکم مرداد ۱۴۰۴ اعلام شده بود که با اعلام دبیرخانه جشنواره تا ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ تمدید شده است. در این دوره، تمرکز اصلی جشنواره بر روایت‌های خلاقانه با هویت فرهنگی، ملی و زیستی ایران است. فیلم‌سازان استان‌ها نیز می‌توانند بر اساس تجربه زیستی خود، جلوه‌هایی از فرهنگ، آیین و زندگی مردم را به تصویر بکشند. برای نخستین بار بخش ویژه‌ای با عنوان «افق‌های نوظهور» به جشنواره افزوده شده؛ این بخش به فیلم‌سازان نوپای خاورمیانه و شمال آفریقا اختصاص دارد و بستری برای نمایش صداهای تازه و خلاق این منطقه فراهم می‌کند. چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، به دبیری بهروز شعیبی از ۲۷ مهر تا ۲ آبان ۱۴۰۴ برگزار می‌شود.

سیدجواد میرهاشمی در گفت‌وگو با «جوان» از دلدادگی‌اش به وطن و دغدغه ثبت حافظه فرهنگی ایران در قاب مستند می‌گوید

مجذوب آنهایی هستم که از دل سختی ردی ماندگار برجای گذاشتند

■ احمد محمدتبریزی

به تازگی مستندهای «فرزانه فروتن ایران مدار ما»، «فیلسوف گفت‌وگو»، «خون است دلم برای ایران» و «از پاریز تا پاریس» از سیدجواد میرهاشمی به اکران آنلاین درآمده است. او در مستندسازی به شخصیت‌ها و چهره‌های بزرگ فرهنگی علاقه زیادی دارد و در مستندهایش به زندگی و زمانه بزرگان فرهنگی کشور پرداخته است. با میرهاشمی درباره مستندها و اکران آنلاین مستندهایش به گفت‌وگو پرداختیم.

بیشتر مستندهای شما شخصیت‌نگاری هستند. چرا به این نوع مستندسازی علاقه دارید، تاکنون به ساخت مستندی با موضوع یا شیوه روایتی دیگر فکر کرده‌اید؟

علاقه‌ام به مستند شخصیت‌نگاری به وجود کتاب در خانه‌مان برمی‌گردد، به روزنامه و مجله‌خوانی‌های پدر و مادر و کتابخانه عمومیم، من در میان کتاب بزرگ شده‌ام. هم‌صحبتی یا همنشینی با نویسنده یا مترجم کتاب همیشه برایم یک رؤیا بود، «چرا اینگونه نوشتی؟» این سؤال همیشگی من است. الآن هم در پی یافتن پاسخ این پرسش هستم و فیلم‌هایم نیز درباره همین مضمون هستند. اگر یک روز با فردوسی همنشین باشم، دقیقاً همین سؤالات را از او خواهم پرسید و اصلاً یکی از مستندهایم همین است: «رویارویی با حکیم فردوسی در فیلم مستند شخصیت‌نگار». حکیم فردوسی، نه فقط یک شاعر، بلکه یک حکیم و فیلسوف بزرگ است. او در «شاهنامه»، نه تنها داستان‌های حماسی را روایت می‌کند، بلکه به عمیق‌ترین مسائل انسانی و اخلاقی نیز می‌پردازد. فردوسی به خرد به عنوان ابزاری حیاتی در زندگی انسانی ایمان دارد. او در آثارش بر اهمیت تفکر و عقل تحکیم می‌کند و معتقد است که انسان باید با خرد خود تصمیم‌گیری کند. خرد در نگاه او نه تنها در راستای رسیدن به اهداف فردی، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به خیر عمومی نیز مهم است. برای من، «شاهنامه» یک منبع الهام بی‌پایان است و همواره سعی کرده‌ام از درس‌های آن در زندگی و فیلمسازی‌ام استفاده کنم. گاه در خلوتم هجوم پرسش‌ها کمکم می‌کند و گاهی هم زندگی روزمره را به چالش می‌کشد. هر نویسنده یک عطر و بوی خاص خودش را دارد. ساخت مستند شخصیت‌نگار، هم رنج دارد و هم لذت؛ رنجش از این بابت است که باید به لایه‌های پنهان یک شخصیت نفوذ کنید، باید به دنبال نقاط عطف زندگی‌اش بگردید و بتوانید آنها را به درستی روایت کنید، گاهی این مسیر، طاقت‌فرسا و پر از چالش است اما لذتش هم در همین است، اینکه فرصت پیدا می‌کنید تا با انسان‌های بزرگ و تأثیرگذار هم‌کلام شوید، از تجربیات آنها بیاموزید و بخشی از زندگی‌شان را برای همیشه ثبت کنید، یک افتخار بزرگ است. هر دیدار و هر گفت‌وگو، برای من یک کلاس درس بوده است و من همیشه شاگردی مشتاق بوده‌ام. این نوع مستندها یک جور جاودانگی است؛ ما با ساخت این مستندها، نه تنها تصویر شخص را ثبت می‌کنیم، بلکه اندیشه‌ها، احساسات و میراث او را نیز برای نسل‌های آینده حفظ می‌کنیم. این همان چیزی است که من در مستندهایم به دنبالش هستم. تفاوت مستندهای قدیمی‌تر و جدیدتر، شاید در تکنیک‌های فیلمسازی باشد اما جوهره اصلی مستند شخصیت‌نگار که همان روایت صادقانه و دقیق از زندگی یک انسان است، همیشه ثابت می‌ماند.

شما مستندی درباره ایرج افشار، محقق، مورخ و کتاب‌شناس شهیر با نام فرزانه فروتن ایران مدار ما دارید. چرا ایرج افشار را برای ساخت مستندی بلند انتخاب کردید؟

انتخاب استاد ایرج افشار برای ساخت مستند، نه صرفاً به دلیل حجم بالای اطلاعات و دانش ایشان، بلکه به واسطه نقش بی‌بدیل‌شان در حفظ و اشاعه فرهنگ و تاریخ ایران بود. استاد افشار صرفاً یک کتابدار یا فهرست‌نویس نبودند، بلکه حافظه‌ای سیال و متحرک از ایران بودند. دغدغه اصلی ما، تصویر کردن این عشق و تعلق خاطر عمیق به ایران بود. ما در عصری زندگی می‌کنیم که هویت‌های ملی در معرض تهدید قرار دارند. استاد افشار، با سلوک و دانش خود، نمونه‌ای ارزشمند از یک ایرانی اصیل و متعهد بودند. تلاش کردیم در این مستند، نه فقط زندگی‌نامه ایشان را روایت کنیم، بلکه این مفهوم عمیق را به مخاطب منتقل کنیم که ایران‌دوستی فراتر از یک شعار، یک شیوه زندگی و یک مسئولیت تاریخی است. از طرف دیگر حجم بالای اطلاعات در مستند، نه تنها جنبه‌ای فنی و پژوهشی دارد، بلکه تلاشی است تا مخاطب را در دریای دانش و عشقی غرق کند که استاد افشار به آن تعلق داشتند. امیدوارم توانسته باشیم گوشه‌ای از این عظمت را به تصویر بکشیم.

فیلم مستند، این امکان را به ما می‌دهد که با روایتی دقیق و هنرمندانه، ابعاد مختلف زندگی و اندیشه‌های این بزرگان را به تصویر بکشیم و آنها را زنده نگه داریم

ساخت مستند درباره شخصیت‌هایی که دیگر حضور ندارند و زنده نیستند، یکی از سخت‌ترین کارهاست، فکر می‌کنید به کدام قسمت از زندگی ایرج افشار نپرداختید؟

ساخت مستند درباره شخصیت‌های ادیب، همواره با دشواری‌هایی همراه است، به ویژه زمانی که با چهره‌ای چون استاد ایرج افشار روبه‌رو باشیم. ایشان تنها یک کتابدار یا پژوهشگر نبودند، بلکه یک تاریخ زنده بودند. چالش اصلی، تلاش برای عبور از روایت‌های سطحی و رسیدن به کنه شخصیت ایشان بود، باید لایه‌های مختلف زندگی او را باز می‌کردیم، از دلبستگی‌اش به ایران و فرهنگش تا وسواسش در مستندنگاری و شیفتگی‌اش به کتاب. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، اطمینان از اعتبار منابع و روایت‌ها بود. هرچه زمان می‌گذرد، غبار فراموشی بیشتر بر چهره‌ها می‌نشیند. تلاش ما بر این بود که با اتکا به اسناد، نامه‌ها، خاطرات شفاهی و مصاحبه با نزدیکان و همکاران ایشان، تصویری تا حد ممکن دقیق و بی‌طرفانه ارائه دهیم. با این حال، یقین دارم که ابعاد ناشناخته‌ای از زندگی ایشان همچنان باقی مانده است. به عنوان مثال، در مستند نتوانستیم به طور کامل به نقش بنیادین او در شکل‌گیری و توسعه کتابخانه‌های تخصصی در ایران بپردازیم یا به دلیل محدودیت زمانی، نتوانستیم به تمام شاگردان و کسانی که از دانش و تجربیات ایشان بهره برده‌اند، فرصت اظهار نظر دهیم یا وجه عکاسی ایشان و سفرنامه‌نویسی‌شان و...

با وجود تمام تلاش‌ها، مستند ما تنها تلاشی است برای ادای احترام به این شخصیت بزرگ. امیدوارم این اثر، انگیزه‌ای برای پژوهشگران و علاقه‌مندان باشد تا زوایای پنهان زندگی و اندیشه‌های ایرج افشار را بیشتر بکاوند. باید اعتراف کنم که قدم گذاشتن در این مسیر، قدم گذاشتن بر لبه تیغ است. به عنوان فیلمساز، احساس مسئولیت سنگینی می‌کنم، ما با اسنادی سر و کار داریم که هرگز نمی‌توانند تمام حقیقت را بازتاب دهند، مصاحبه‌ها، خواه ناخواه، تحت تاثیر دیدگاه مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده هستند، یادداشت‌ها نیز ممکن است حاوی برداشت‌های شخصی یا حتی تحریف واقعیت باشند. به نظر من، کلید اصلی، شفافیت است؛ باید به مخاطب گوشزد کنیم که با روایتی روبه‌رو هستند، نه با تمام حقیقت. باید منابع اطلاعاتی خود را به دقت ذکر کنیم و به اختلاف نظرها و دیدگاه‌های مختلف احترام بگذاریم. هدف نباید اثبات یک فرضیه یا تطهیر یک شخصیت، بلکه باید ایجاد بستری برای تفکر و گفت‌وگو باشد. بهترین مستندها، مستندهایی هستند که ذهن مخاطب را درگیر می‌کنند و او را به جست‌وجو و تحقیق بیشتر ترغیب می‌کنند. درنهایت، قضاوت درباره شخصیت‌های تاریخی باید بر عهده خود مخاطب باشد، وظیفه ما، فراهم کردن ابزار و اطلاعات لازم برای این قضاوت است.

از «پاریز تا پاریس» روایتی از زندگی و اندیشه‌های دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی است که با استقبال خوبی مواجه شد. چرا شما به سراغ ساخت فیلم‌هایی با محوریت چهره‌های فرهنگی و تاریخی می‌روید؟

اول از هر چیز، خواست استاد ایرج افشار برای ادامه ساخت این نوع فیلم‌ها بود. این فیلم به خواست استاد افشار شکل گرفت و دکتر باستانی پاریزی مورخ طناز و شیرین‌سخن، بزرگ‌ترین جرقه و نیروی محرکه فیلم شد. البته این استاد افشار بود که راه را به من نشان داد و مسیر را هموار کرد. فکر می‌کنم که زندگی و اندیشه‌های این شخصیت‌ها، گنجینه‌ای ارزشمند برای نسل‌های آینده هستند. آنها با تلاش و پشتکار خود، بخشی از تاریخ و فرهنگ ما را رقم زده‌اند. علاقه من به این نوع شخصیت‌نگاری، از یک سو به دغدغه‌های شخصی‌ام برمی‌گردد؛ من همواره مجذوب داستان‌های زندگی انسان‌هایی بوده‌ام که با وجود سختی‌ها، توانسته‌اند اثری ماندگار از خود به جای بگذارند. از سوی دیگر، معتقدم که سینما می‌تواند ابزاری قدرتمند برای انتقال این داستان‌ها به مخاطبان گسترده‌تر باشد. فیلم مستند، به ویژه، این امکان را به ما می‌دهد که با روایتی دقیق و هنرمندانه، ابعاد مختلف زندگی و اندیشه‌های این بزرگان را به تصویر بکشیم و آنها را برای همیشه زنده نگه داریم. کسی را دیگر مانند دکتر باستانی پاریزی نخواهیم یافت.

مستند «خون است دلم برای ایران» به زندگی استاد منوچهر ستوده می‌پردازد، چرا این شخصیت را برای ساخت مستند انتخاب کردید و ساخت آن چقدر طول کشید؟

عکس استاد در کتابخانه‌ام است و شعری که سر لوح زندگی‌ام شد: «بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود/ در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی». «خون است دلم برای ایران» که ساخت آن حدود سه سال طول کشید، بیش از یک مستند، ادای دینی است به نسلی که با عشق و امید به وطن، عمر خود را وقف اعتلای آن کردند، ستوده، نمونه بارز این نسل بود. انتخاب ایشان برای مستند، نه فقط به دلیل جایگاه علمی و فعالیت‌های مؤثرشان در حوزه بلکه به دلیل قلب بزرگ و دغدغه‌های عمیق‌شان بود. ایشان تجسم وطن‌پرستی بی‌ادعا بودند. خاطرات من با استاد، آمیزه‌ای از درس و دوستی است؛ از جلسات پرشور نقد و بررسی فیلم گرفته تا صحبت‌های صمیمانه درباره آینده سینمای ایران. ایشان همیشه مشوق من بودند و باوسواس و دقتی مثال‌زدنی مرا در مسیر فیلمسازی راهنمایی می‌کردند. استاد ستوده به معنای واقعی کلمه، یک ایران‌دوست به شمار می‌رفت، عشق به ایران در تار و پود وجودش تنیده و این عشق، محور اصلی زندگی و فعالیت‌هایش بود به همین دلیل وقتی تصمیم گرفتم مستندی درباره وطن‌پرستی بسازم، هیچ شخصیتی به اندازه ایشان شایسته محوریت این روایت نبود.

همان‌طور که گفتید عرق به ایران و وطن‌دوستی از گوشه گوشه این مستند نمایان است. نمایش ایران‌دوستی در این مستند چقدر مخاطبان را احساساتی کرد؟

زنده‌یاد ستوده عشقی وصف‌ناشدنی به ایران داشتند؛ خاطره‌ای دارم از ایشان که وقتی آرامگاه باشکوه امیراسماعیل سامانی را دید، چنان تحت تأثیر قرار گرفت که گفت قلمم از وصف این زیبایی و شکوه معماری عاجز است. تنها کاری که توانستم بکنم این بود که سجده کردم و به معماران آن دوران آفرین گفتم. به اعتقاد من، گریه ستوده در ستایش آرامگاه سامانی، زیباترین نوشته‌اش بود. هر بار این خاطره را تعریف می‌کردند چهره‌شان دگرگون می‌شد. ستوده به سنت قدما عکس خود را برایم امضا کرد و بیتی از حافظ نوشت که بسیار دوست داشت و تابلوی آن نیز در خانه‌اش آویزان بود: «بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود/ در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی.» این بیت، چکیده فلسفه زندگی او بود؛ پندی گرانبها که مرا از نگرانی روزگار دور می‌کند و یادآوری می‌کند که حتی اگر زیر و رو شدی، باز هم امید داشته باش. امیدوارم این حس، از طریق مستند به مخاطبان هم منتقل شود و آنها نیز بتوانند عمق عشق ستوده و عشق من به این خاک را درک کنند.

حکمت

امام حسین علیه‌السلام:

ادب عبارت است از اینکه وقتی که از خانه خارج می‌شوی به هر کسی برخورد می‌کنی او را برتر از خود ببینی.

موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام، ص۹۱۰

نما | حسین کشتکار

قصه‌های تلخ و شیرین قدیمی در فصل تازه «حکایت‌های کمال»

دومین فصل مجموعه تلویزیونی «حکایت‌های کمال» از امشب روی آنتن شبکه دوم سیما می‌رود.

به گزارش جوان از روابط عمومی شبکه ۲، فصل دوم مجموعه تلویزیونی «حکایت‌های کمال»، تازه‌ترین محصول گروه نمایشی مرکز سیمرغ به نویسندگی و کارگردانی قدرت‌الله صلح‌میرزایی و تهیه‌کنندگی محمود سلامیان از امروز شنبه ۲۱ تیرماه هر شب حوالی ساعت ۲۱:۱۵ از شبکه ۲ سیما روانه آنتن خواهد شد. در فصل جدید این مجموعه که بر پایه داستان‌های خاطره‌انگیز «حکایت‌های کمال» به قلم محمد میرکیانی تولید شده است، ماجراهای نوجوانی به نام کمال را در بستر فضای اجتماعی- فرهنگی دهه چهل شمسی روایت می‌کند؛ روزهایی که طلیعه بیداری انقلابی در کوچه‌پس‌کوچه‌های ایران دمیده بود. کمال با همراهی دوستانش، کسبه محل و خانواده‌اش، درگیر ماجراهایی تلخ و شیرین می‌شود؛ ماجراهایی که در دل خود از صداقت، فداکاری، آرمان‌خواهی و نشاط نوجوانانه می‌گویند و تصویری زنده از روزهایی پر التهاب اما پر از امید را به تصویر می‌کشد. بازنویسی فیلمنامه فصل دوم را ستاره کدخدایی برعهده داشته و در این فصل، امیرمهدی خاک پیز در نقش کمال ایفای نقش می‌کند. همچنین بازیگرانی چون محمود پاک‌نیت، حمید ابراهیمی، میرطاهر مظلومی، ایرج نوذری، جعفر دهقان، محمد فیلی، کاظم هژیرآزاد، کاظم نوربخش، مجید سعیدی، یوسف صیادی، آزیتا ترکاشوند و سولماز حصاری در این مجموعه حضور دارند. سریال «حکایت‌های کمال» محصول گروه نمایشی مرکز سیمرغ در فصل دوم نیز همچون گذشته با محوریت ارزش‌های اخلاقی، هویت ملی و سبک زندگی ایرانی- اسلامی، روایتی گرم و صمیمی از خانواده و محله ایرانی را به قاب تلویزیون می‌آورد.

فراسو

مایکل مان با جایزه لومیر ۲۰۲۵ تجلیل می‌شود

مایکل مان جایزه لومیر را در هفدهمین دوره جشنواره لومیر به مدیریت تیری فرمو دریافت خواهد کرد.

به گزارش مهر از ورایتی، مایکل مان پاییز امسال در هفدهمین دوره جشنواره لومیر در لیون جایزه لومیر را دریافت می‌کند. این جشنواره که توسط تیری فرمو، رئیس جشنواره کن، اداره می‌شود، هر سال برای بزرگداشت فیلم‌های کلاسیک برگزار می‌شود و از فیلمسازان و بازیگران نمادین تجلیل می‌کند. جایزه لومیر که به یک چهره سینمایی برای تمامی مجموعه آثار و ارتباطش با تاریخ سینما اهدا می‌شود، پیش از این به چهره‌های مهمی چون کلینت ایستوود، مارتین اسکورسیزی، جین فوندا، فرانسیس فورد کاپولا، کوئنتین تارانتینو و تیم برتون در کنار ستاره‌های اروپایی مانند ایزابل هوپر و کاترین دونوو اهدا شده است. موسسه لومیر در بیانیه‌ای از مایکل مان به عنوان چهره‌ای با استقلال واقعی و گاهی اوقات نوعی تنهایی یاد کرد که سخت‌گیری‌های یک فیلمساز مولف را با لذت سینمای عامه‌پسند ترکیب می‌کند. مایکل مان در طول ۴۰ سال دوران حرفه‌ای خود سازنده فیلم‌های کالتی مانند «مخمصه»، «آخرین موهیکان»، «نفوذی» و «وثیقه» بود که بازیگرانی چون آل پاچینو، رابرت دنیرو، دنیل دی- لوئیس، تام کروز، جیمز کان و ناتالی پورتمن در آنها حضور داشتند. این کارگردان هم ریشه در سنت قوی هالیوود دارد و هم با انتخاب موضوع‌های متفاوت، رویکردش به کارگردانی، داستان‌سرایی و زیبایی‌شناسی، سینمای شخصی و نوآورانه خود را ارائه کرده است. مان در حال حاضر پروژه‌های متعددی در دست دارد. وی که با فیلم زندگینامه‌ای «فِراری» با بازی آدام درایور و پنه‌لوپه کروز در ونیز ۲۰۲۳ حضور داشت و با قسمت آزمایشی برای بازسازی سریال «توکیو وایس» به تلویزیون بازگشت، در حال آماده شدن برای فیلمبرداری «مخمصه ۲» است. تیری فرمو تجلیل از مایکل مان با جایزه لومیر را هم یک رویا و هم مایه افتخار خواند و افزود: او مستقیم از دل اساطیر هالیوود بیرون آمده و هنرمند بزرگی است که نشانش بر سینما جاودانه است.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آرای هیات زراعی روستای تودل

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده های تشکیلی طبق قانون مذکور را براساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آراء ذیل تایید نموده اند.

۱.رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۰۹۸۳ پرونده کلاسه ۴۴۲۹۸۷۳۸۱۹۹۳۷۳۹۰۳۸۵۵۲۸۸۵۱ آقای علیرضا حاجی خدادادی به شناسنامه شماره ۱۲ کدملی ۰۳۸۵۵۲۸۸۵۱ صادره قم فرزند صفرعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری زراعی به مساحت ۴۹۳/۳۳مترمربع پلاک شماره ۸۵ اصلی واقع در قم بخش ۹ حوزه ثبت ملک اداره یک قم (مبایعه نامه عادی- استشهادیه مع الواسطه از رقیه حاجی خدادادی سند رسمی شماره ۱۳۷۰مورخ ۱۳۴۶/۰۷/۲۳دفترخانه ۲۰قم) (م الف ۱۹۵۳۷۸۱)

۲.رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۰۹۸۷ پرونده کلاسه ۴۴۳۴۲۴۳۸۱۹۸۵۵۳۹۰۳۸۵۵۲۸۸۵۱ آقای علیرضا حاجی خدادادی به شناسنامه شماره ۱۲ کدملی ۰۳۸۵۵۲۸۸۵۱ صادره قم فرزند صفرعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری زراعی به مساحت ۱۴۶۱/۴۸مترمربع پلاک شماره ۸۵ اصلی واقع در قم بخش ۹ حوزه ثبت ملک اداره یک قم (مبایعه نامه عادی- استشهادیه مع الواسطه از رقیه حاجی خدادادی سند رسمی شماره ۱۳۷۰مورخ ۱۳۴۶/۰۷/۲۳دفترخانه ۲۰قم) (م الف ۱۹۵۳۷۸۱)

مورد تایید قرار گرفته و از آنجائیکه مقرر گردیده است پس از نشر آگهی و انقضاء موعد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد منطقه یک قم تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یکماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم و گواهی آنرا به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند براساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم – مهدی زارع شحنه

javanonline.ir